

**بررسی تحلیلی تأثیر نرخ بهره بر سودآوری بانکی (مقایسه بانکداری
اسلامی و متعارف)**

اکبر رحیمی فرد*

محمد رضا رنجبر فلاح**

سمیرا متقی***

DOI: 10.22096/esp.2024.540786.1581

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳]

چکیده

با توجه به نقش ویژه و حساس بانک‌ها در نظام اقتصادی کشور، بروز هرگونه اختلال یا ناکارآمدی در سیستم بانک‌ها و کاهش عملکرد آنها، به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های مالی جامعه مؤثر است. بر همین اساس، در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر نرخ بهره بر سودآوری بانکی دو کشور ایران و آمریکا طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ به روش رگرسیونی و سری‌های زمانی GMM پرداخته شده است. نتایج نشان داد نرخ بهره اثرات معنادار بر سودآوری بانکی در بخش اسلامی و بخش متعارف داشته است با این تفاوت که این اثرگذاری در بخش اسلامی مثبت و در بخش متعارف منفی بوده است. دلیل اثرگذاری متفاوت می‌تواند تفاوت در ماهیت نرخ بهره در بخش اسلامی و متعارف باشد، زیرا در بانکداری متداول؛ نرخ بهره مبتنی بر ربا بوده است که به دلیل انفکاک بخش بانکی از بخش واقعی اقتصاد، می‌تواند در بلندمدت برای سودآوری بخش بانکی مضر باشد، ولی در بخش اسلامی، نرخ بهره مبتنی بر به اشتراک‌گذاری ریسک بوده و عملکرد بخش بانکی به بخش واقعی اقتصاد وابسته است؛ بنابراین توصیه می‌شود کشورهایی که دارای سیستم بانکداری مبتنی بر ربا هستند، اصلاحات مورد نیاز جهت اسلامی‌سازی سیستم بانکداری را در دستور کار قرار دهند.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی؛ بانکداری متعارف؛ نرخ بهره؛ سود؛ روش GMM.**طبقه‌بندی موضوعی:** E43، E52، G24.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: rahimifard.herbamedicine@gmail.com

** استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: rfallah@pnu.ac.ir

*** دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: Samira.motaghi@pnu.ac.ir



۱. مقدمه

بر اساس تئوری‌های^۱ کلان اقتصادی، انباشت سرمایه یکی از شروط لازم برای رشد اقتصادی کشورها به حساب می‌آید و به‌کارگیری مطلوب نیروی کار در فرایند تولید تا حد زیادی به نسبت ترکیب آن با سرمایه موجود بستگی دارد و انباشت سرمایه در تعیین میزان افزایش تولید کل و تولید سرانه نیروی کار نقش اساسی ایفا می‌کند و همچنین، همراه با گسترش زمینه‌های افزایش تولید و بهره‌وری در اقتصاد، میزان پیشرفت جامعه با میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آن، رابطه همسو و متناسب دارد. بسیاری از مطالعات اقتصادی تأیید می‌کنند که در صورت فقدان سرمایه کافی، رشد اقتصادی با مشکل جدی مواجه می‌شود و نیاز است تا سرمایه مورد نیاز کشور در مراحل مختلف رشد اقتصادی تأمین شود. در این رابطه، نقشی که بازارهای مالی می‌توانند ایفا نمایند شامل گردآوری منابع از طریق پس‌اندازهای کوچک و بزرگ موجود در اقتصاد، بهینه‌سازی گردش منابع مالی و هدایت آنها به سوی مصارف و نیازهای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی است.

اثرات مثبت بازار مالی^۲ بر تداوم رشد اقتصادی از جمله افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری از طریق کاهش ریسک، قیمت‌گذاری ریسک و تسهیل ریسک نقدینگی و تجهیز و بسیج سپرده‌ها و ... آنقدر زیاد و حساس است که دیدگاه کلی اقتصاددانان این می‌باشد که تفاوت اقتصادهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، نه در تکنولوژی پیشرفته توسعه‌یافته‌ها، بلکه در وجود بازارهای مالی یکپارچه فعال و گسترده است. بازارهایی که کشورهای توسعه‌یافته از آن محروم‌اند. از جمله این بازارهای مالی می‌توان به بانک‌ها اشاره نمود.

«بانک‌ها در کنار کارکرد اصلی خود که تأمین‌کننده منابع مالی بخش‌های واقعی اقتصاد محسوب می‌شوند در تجهیز و تخصیص منابع و عرضه خدمات متنوع به مشتریان و درآمدزایی و کسب بهره همچون سایر مؤسسات اقتصادی نقش مهمی دارند. با توجه به نقش ویژه و حساس بانک‌ها در نظام اقتصادی کشور بروز هرگونه اختلال یا ناکارآمدی در سیستم بانک‌ها و کاهش عملکرد آنها، به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های مالی جامعه مؤثر است؛ زیرا به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل این بانک‌ها هستند که عهده‌دار تأمین مالی بلندمدت می‌باشند»^۳.

1. Murat Duran et al., "Measuring the Impact of Monetary Policy on Asset Prices in Turkey," *Journal of Economics Letters* 114, no. 1 (November 2018): 29-31.

2. Alfredo Bldini et al., "Monetary Policy in Low Income Countries in the Face of the Global Crisis: The case of Zambia," *IMF Working paper: Research Department and African Department*, WP/12/94 (April 2017): 4-46.

۳. رافیک نظریان، و رقیه عزیزیان فرد، «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نرخ سود بانک‌ها در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۴، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۹۵): ۷۴.

بنابراین، ضروری است تا عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. از جمله این عوامل، می‌توان به نرخ بهره اشاره نمود.

بانک مرکزی از طریق نرخ بهره، به جذب نقدینگی به سپرده‌های بانکی، هدایت نقدینگی به تولید و بورس و خرید و فروش و... می‌پردازد و در شرایط تورمی، پول را جذب بانک‌ها می‌کند و در شرایط رکود با کاهش نرخ بهره، پول را به سمت تولید هدایت می‌کند؛ اما سؤالی که می‌تواند در این رابطه مطرح شود این است که اثر نرخ بهره بر سودآوری بانکی به چه صورت است؟

ساختار مقاله به این صورت است که در بخش بعدی، ادبیات موضوع شامل مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان می‌شود؛ سپس به معرفی روش تحقیق پرداخته می‌شود. در ادامه به تجزیه و تحلیل نتایج پرداخته شده و در نهایت نیز به جمع‌بندی مطالب پرداخته خواهد شد.

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. مبانی نظری

در سیاست‌های پولی متعارف، کانال بهره با مکانیسم‌های دیگر که به وام‌های بانکی و ترانزنامه‌ها^۴ وابسته است و اغلب به‌منزله کانال اعتباری نامیده می‌شود تکمیل می‌شود. اثربخشی کانال اعتباری تحت تأثیر اصطکاک‌های مختلف مالی است. کلید اصلی کانال اعتباری ناشی از تغییرات سیاست در نرخ بهره بدون ریسک است. نرخ بهره بدون ریسک، با تأثیرگذاری بر ارزش وثیقه آنها و همچنین میزان وام‌های بانکی، بر موقعیت ترانزنامه‌ای شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. پس از آن، موقعیت‌های حسابداری در حال تغییر شرکت‌های بازرگانی و بانک‌ها یک مکانیزم تقویت غیرخطی ایجاد می‌کنند که از طریق آن سیاست‌های پولی می‌توانند بر اقتصاد واقعی تأثیر بگذارند. ارتباط بین سیاست‌های پولی و سودآوری بانکی نیز پس از بحران بزرگ مالی در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ برجسته شده است. «در اقتصادهای بزرگ پیشرفته، نرخ بهره کوتاه‌مدت نزدیک به صفر و نرخ بهره بلندمدت به کمترین سطوح تاریخی خود، به‌ویژه در پی اعمال سیاست‌های پولی غیرمتعارف همانند سیاست‌های تسهیل مقداری، رسیده است. توافق گسترده‌ای وجود دارد که واکنش تهاجمی بانک‌های مرکزی در مراحل اولیه بحران برای کمک به جلوگیری از سقوط مالی و اقتصادی بسیار مهم است. با این حال، در سال‌های اخیر،

4. Francis X. Diebold and Glenn D. Rudebusch, "Yield Curve Modeling and Forecasting: the Dynamic Nelson-Siegel Approach," in *The Econometric and Tinbergen Institutes Lectures*, eds. Dennis Fok and Philip Hans Franses ((n.p): Princeton University Press, June 2013), <https://doi.org/10.1515/9781400845415>.

نگرانی‌ها در حال افزایش است که به دلیل پیامدهای جانبی منفی آن، مزایای سیاست‌های پولی در بلندمدت رو به کاهش است. یکی از این عوارض جانبی تأثیر منفی ساختار نرخ بهره پایین بر سودآوری بانکی می‌باشد»^۵.

بسیاری از مقالات ارتباط بین سودآوری بانکی و شرایط کسب‌وکار را تجزیه و تحلیل می‌کنند و نتایج حاصل از ارتباط بین ساختار نرخ بهره و سودآوری بانکی را فقط به‌مثابه محصول فرعی در نظر می‌گیرند. «بوربو و هافمان از نخستین کسانی بودند که سود بانکی را با شاخص‌های کلان اقتصادی مانند نرخ بهره واقعی مرتبط می‌کردند. آنها دریافتند که نرخ بهره واقعی بالا با حاشیه سود و سودآوری بالاتر همراه است، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که نرخ بهره سپرده‌های بانکی معمولاً زیر نرخ بهره بازار پرداخت می‌شوند»^۶.

در تحلیلی که در زیر آمده است، به‌طور خاص تأثیر سیاست پولی بر سودآوری بانکی با توجه به شرایط کلان اقتصادی بررسی می‌شود.

تأثیر بر خالص درآمد بهره‌ای

دلایل قوی وجود دارد مبنی بر اینکه نرخ بهره^۷ به‌منزله یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست پولی، با خالص درآمدهای بهره‌ای بالاتر مرتبط هست. این رابطه به‌طور خاص در سطوح بسیار پایین نرخ بهره اسمی، قوی‌تر است و بعد از آن هر چه نرخ بهره بالاتر می‌رود، این رابطه تغییر حالت می‌دهد. در مورد نرخ بهره، دست‌کم چهار مکانیزم برای اثرگذاری بر خالص درآمدهای بهره‌ای وجود دارد؛ (۱) «اثر فراوانی سپرده‌های خرد (Deposits endowment effect retail)»، (۲) «اثر وفور سرمایه (Capital endowment effect)»، (۳) «اثر مقدار (Quantity effect)» که «اثر قیمت» را تحت تأثیر قرار می‌دهد و (۴) پویایی یک رابطه در حال گذار بین تعادل، از جمله وقفه‌های قیمت‌گذاری مجدد و حسابداری اعتبارات-زیان (Accounting credit-loss) اثر «وفور سپرده‌های خرد» از این حقیقت ناشی می‌شود که سپرده‌های بانکی عموماً بر اساس نرخ‌های بازار قیمت‌گذاری می‌شوند که معمولاً نشان‌دهنده شکلی از قدرت انحصار و خدمات معاملاتی است. اگر نرخ‌های بازار به واسطه کاهش نرخ بهره کمتر شود، آنگاه سیاست پولی انقباضی منجر به افزایش خالص درآمد خواهد شد. اثر وفور منابع نیز یک منبع بزرگ سود

5. Chaugio Borio, Leonardo Gambacorta, and Boris Hofmann, "The influence of monetary policy on bank profitability," *BIS Working Papers*, no. 514 (October 2015): 1-37.

6. Borio, Gambacorta, and Hofmann, "The influence of monetary policy on bank profitability," 3-11.

7. Borio, Gambacorta, and Hofmann, "The influence of monetary policy on bank profitability," 7-9.

است، به خصوص زمانی که نرخ‌های تورم بالا باشد و زمانی که رقابت در بخش بانکداری و بخش غیر بانکی بسیار محدود باشد، همانند موردی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ در بسیاری از کشورها رخ داد، اما مجدداً پس از دوره بحران، این رابطه معکوس شد، زیرا نرخ بهره در مقادیر بسیار پایینی قرار داشت و نرخ بهره سپرده‌ها امکان کاهش بیشتر نداشت؛ این یعنی رابطه بین خالص درآمدهای بهره‌ای و نرخ بهره به صورت غیرخطی است.

«اثر وفور سرمایه»، حالت شدیدتر از «اثرات وفور سپرده‌های خرده» است به طوری که در آن به حقوق صاحبان سرمایه، بهره پرداخت نمی‌شود؛ بنابراین، با کاهش نرخ بهره، بازده دارایی‌های تحت پوشش سرمایه کاهش می‌یابد. به طور کلی، این اثر عموماً نسبت به سپرده‌ها کوچک‌تر است، زیرا سرمایه سهم کمتری از کل دارایی‌ها را دارد. تغییرات در سطح نرخ بازار نیز اثرات کمی خواهد داشت که به طور ویژه بر حجم وام‌های بانکی و سپرده‌ها تأثیر می‌گذارد؛ به حدی که در تعادل، تقاضا برای وام‌ها نسبت به نرخ سود در مقایسه با سپرده‌ها بیشتر و کشش‌پذیرتر است، به طوری که در برخی نقاط نرخ سود بالاتر، سودآوری را تضعیف می‌کند. این نقطه با حساسیت تقاضای وام (و سپرده) به نرخ‌های بازار در حالت تعادل تعیین می‌شود، چراکه بخش‌های دیگر نیز تحت تأثیر تغییرات یکسان در شرایط بازار قرار خواهند گرفت که منجر به جبران هر یک از نیروهای تعادلی نسبی می‌شود!

تأثیر بر درآمدهای غیر بهره‌ای

ارتباط بین نرخ‌های بهره و درآمدهای غیر بهره‌ای، کمتر واضح است و توجهات کمتری را به خود جلب کرده است. با این حال، در حالت تعادل، نرخ سود بالاتر می‌تواند^۸ منجر به کاهش درآمدهای غیر بهره‌ای شود. سه مؤلفه اصلی درآمد غیر بهره‌ای عبارت‌اند از: اثرات ارزش‌گذاری بر روی اوراق بهادار؛ پوشش ریسک از طریق مشتقات و هزینه‌ها و کمیسیون‌ها. در صورت ثابت‌ماندن سایر شرایط، نرخ‌های بهره بالاتر باید منجر به ایجاد زیان در سبدهای سهام اوراق بهادار بانک‌ها شود. تأثیر بر حساب سود و زیان نیز وابسته به کنوانسیون‌های حسابداری خواهد بود. زیان‌ها به طور مستقیم در صورت سود و زیان معکوس می‌شود. کاهش ریسک نرخ بهره نیز برای بانک‌ها مهم است. این اثر تا حد زیادی از طریق مبادله نرخ بهره با اثرات ارزش‌گذاری که به طور معمول به‌مثابه درآمد غیر بهره‌ای گزارش می‌شود، انجام خواهد شد. از آنجایی که از نظر ساختار، بدهی بانک‌ها دارای سررسید کوتاه‌تر از دارایی‌های آنها است، بانک‌ها تمایل به پرداخت نرخ‌های ثابت و دریافت نرخ‌های شناور دارند. اگر بانک‌ها به طور

8. Borio, Gambacorta, and Hofmann, "The influence of monetary policy on bank profitability," 10-11.

کامل پوشش داده شوند، آنها نمی‌توانند از ریسک نرخ بهره سود ببرند. در حقیقت، پوشش ریسک بخشی جزئی است. مطابق با این دریافتند که قیمت‌های سهام بانک به‌طور قابل‌توجهی در پی افزایش پیش‌بینی نشده در سطح نرخ بهره یا کاهش منحنی بازدهی رو به کاهش است.

بنابراین، ایجاد ارتباط شفاف بین درآمدهای غیر بهره‌ای و سطح و ساختار نرخ بهره دشوار است. با این وجود، می‌توان اینگونه استدلال کرد که تحت شرایط کلان اقتصادی، نرخ‌های بهره بالاتر ممکن است مؤلفه درآمد غیر بهره‌ای را کاهش دهد. یک کانال ممکن در این رابطه، از طریق تأثیر نرخ بهره بر ارزش‌گذاری دارایی است به‌طوری که در نرخ‌های پایین بهره، قیمت دارایی بیشتر است به همین ترتیب، در نرخ‌های پایین، پس‌اندازکنندگان ممکن است نیاز به خدمات حرفه‌ای بیشتری برای مدیریت سبد سهام خود داشته باشند؛ دلایلی وجود دارد مبنی بر اینکه تأثیر نرخ بهره بر درآمد غیر بهره‌ای نیز غیرخطی است و در سطوح پایین نرخ بهره، این رابطه قوی‌تر می‌شود.

۲-۲. پیشنهاد تحقیق

در رابطه با موضوع اثر نرخ بهره بر بانکداری اسلامی، تحقیقاتی انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«با بروز یک شوک مثبت روی نرخ سود به علت کاهش تقاضا برای وام و میزان پول وام داده‌شده، نرخ وام‌دهی و در نتیجه سود بانک‌ها کاهش می‌یابد و بر اثر شوک مثبت نفتی، حجم نقدینگی افزایش یافته که در این صورت، نرخ وام‌دهی کاهش و میزان سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و در نهایت تمایل خانوار به پس‌انداز کاهش می‌یابد که برآیند کاهش نرخ وام‌دهی و کاهش سپرده‌گذاری، سبب کاهش سوددهی بانک‌ها می‌شود.»^۹ «ساختار دارایی‌ها، تنوع درآمدی، رشد اقتصادی و تورم با سودآوری بانک‌ها رابطه مثبت داشته و سرمایه، ساختار مالی، اندازه، رقابت بانکی و نرخ بهره با سودآوری رابطه منفی دارد.»^{۱۰}

«از بین متغیرهای کلان اقتصادی نرخ بهره تأثیر منفی داری بر سودآوری بانک مذکور ندارد، ضریب نرخ تورم و بی‌ثباتی نرخ ارز تأثیر منفی بر سودآوری دارند. همچنین از بین شاخص‌های خاص بانکی خصوصی‌سازی و نسبت وام‌ها تأثیر منفی داری بر سودآوری بانک صادرات ندارند، این در حالی است که اندازه بانک تأثیر مثبت و دو متغیر حجم سرمایه و ریسک عملیاتی بانک

۹. ثریا رفیعی، کریم امامی، و فرهاد غفاری، «تأثیر سیاست‌های پولی بر عملکرد بانک‌ها با استفاده از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE)»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۹، شماره ۷۲ (بهار ۱۳۹۸): ۱-۳۶.

۱۰. محمدرضا مهربان‌پور و دیگران، «عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴، شماره ۵۴ (تابستان ۱۳۹۶): ۱۱۴-۱۳۴.

تأثیری منفی بر سودآوری بانک صادرات دارند.»^{۱۱} به این نتیجه رسیدند که «یک ارتباط معنادار میان متغیرهای مستقل مدل (از جمله نرخ بهره) و ریسک عدم پرداخت تعهدات و سودآوری هم در بلندمدت و هم در کوتاهمدت وجود دارد.»^{۱۲}

نشان می‌دهند که «متنوع‌سازی پاداش کمتری برای بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متداول فراهم می‌کند. علاوه بر این، هیچ رابطه‌ای بین تنوع درآمد و ثبات برای بانک‌های متداول و اسلامی پیدا نمی‌شود.»^{۱۳} نشان داده‌اند «بانک‌ها با کاهش هزینه‌های سپرده و سود درآمد غیر بهره‌ای، از جمله کارمزد و سود سرمایه، زیان درآمد بهره را تحت نرخ بهره منفی جبران می‌کنند؛ همچنین بانک‌ها با افزایش فعالیت وام‌دهی و افزایش سهم خود از بودجه سپرده‌ها به نرخ‌های منفی بهره پاسخ می‌دهند.»^{۱۴} نشان می‌دهند که ویژگی‌های خاص بانک مربوط به اعتبار و ریسک نقدینگی «بهره‌وری عملیاتی، رشد کل وام‌ها، هزینه فرصت و پرداخت سود ضمنی، سودآوری بانک املاک و مستغلات را توضیح می‌دهد. شاخص لرنر، نوسان نرخ بهره و تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر قابل توجهی بر سودآوری دارد.»^{۱۵}

نشان می‌دهد که «ریسک نرخ بهره با اهرم ترازنامه رابطه منفی دارد و رابطه‌ای U شکل با قابلیت حل برای بانک‌هایی دارد که از ابزارهای مشتقه استفاده نمی‌کنند. بانک‌هایی که در طول بحران مالی کمک دولت دریافت کرده‌اند، ریسک نرخ بهره بالاتری نسبت به بانک‌هایی دارند که کمک دریافت نکرده‌اند.»^{۱۶} به این نتیجه رسیدند که «سیاست‌های پولی بانک مرکزی تأثیری منفی بر عملکرد مالی بانک‌های پاکستان علی‌الخصوص بر دو نسبت بازده دارایی و بازده حقوق

۱۱. فرزانه سلیمانی هفشجانی، «بررسی تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی و بانکی بر میزان سودآوری بانک صادرات ایران»، (دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران، آذر ۱۳۹۶).

۱۲. موناکوشکی و شادی شاهرودیانی، «بررسی ارتباط بین نسبت‌های مهم بانکی و شاخص بانکداری غیرسنستی بانک‌ها در نظام بانکی کشور بر میزان سودآوری بانک‌ها»، (سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد مدیریت مالی، تهران، آبان ۱۳۹۵).

13. Andrea Paltrinier et al., "Risk-adjusted profitability & stability of Islamic and conventional banks: Does revenue diversification matter?," *Global Finance Journal* 50, no. 28 (February 2020), 100517. 10.1016/j.gfj.2020.100517.

14. Jose A.Lopez, Andrew Kenan Rose, and Mark M. Spiegel, "Why have negative nominal interest rates had such effect on bank performance? Cross country evidence," *European Economic Review* 124 (May 2020):1.

15. António Miguel Martins, Paula Serra, and Simon Stevenson, "Determinants of real estate bank profitability," *Research in International Business and Finance* 49 (October 2019): 282-300. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2019.04.004>.

16. F. D. D. Chaudron Raymond, "Bank's interest rate risk and profitability in a prolonged environment of low interest rates," *Journal of Banking & Finance* 89 (April 2018): 94-104.

صاحبان سهام دارند.»^{۱۷} نشان می‌دهند که «سیاست پولی به‌طور قابل توجهی بر سود بانکی در ترکیه تأثیر می‌گذارد. نتایج همچنین تأکید می‌کند که سود بانکی در یک بازار در حال ظهور نسبت به سود بانکی در یک اقتصاد پیشرفته مانند انگلستان نسبت به نرخ بهره حساسیت بیشتری نشان می‌دهد.»^{۱۸} همین‌طور «یک رابطه مثبت بین نرخ بهره کوتاه‌مدت و شیب منحنی بازده به‌منزله شاخص سیاست پولی مقداری را مستند ساخته‌اند.»^{۱۹}

طبق بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌شود تاکنون تحقیقی در داخل کشور به بررسی ارتباط بین نرخ بهره و سودآوری بانکی در بانکداری اسلامی و بانکداری متداول یا متعارف نپرداخته است که این موضوع مهم‌ترین جنبه نوآوری تحقیق حاضر است.

۳. روش تحقیق

جهت بررسی آزمون فرضیه‌ها یک دوره زمانی ۲۹ ساله بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ انتخاب شده است. کشور ایران و آمریکا قلمرو مکانی تحقیق حاضر انتخاب شده‌اند.

به منظور تجزیه و تحلیل اثرات نرخ بهره بر سودآوری بانکی، از برآورد مدل رگرسیونی زیر بهره‌گیری می‌شود:

$$PM_t = c_0 + c_1 RIR_{t,t} + c_2 GDP\ Growth_t + c_3 Stock_t + c_4 House_t + e_t \quad (1)$$

که در آن:

متغیر وابسته:

حاشیه سود بانک‌ها (PM): به‌صورت نسبت سود قبل از مالیات به کل دارایی‌های بخش بانکی تعریف و محاسبه می‌شود.

$$PM = \text{کل دارایی‌های بخش بانکی} / \text{سود قبل از مالیات} \quad (2)$$

17. Rashid Zaman et al., "The Impact of Monetary Policy on Financial Performance: Evidence from Banking Sector of Pakistan," *Journal of Basic and Applied Scientific Research* 4, no. 8 (June 2014): 119-123.

18. Resul Aydemir and Gokhan Ovenc, "Interest rates, the yield curve and bank profitability in an emerging market economy," *Economic Systems* 40, no. 4 (December 2016): 670-682.

19. Borio, Gambacorta, and Hofmann, "The influence of monetary policy on bank profitability," 1-37.

جدول (۱): آمار متغیر حاشیه سود در کشور ایران و آمریکا.

سال	نرخ سپرده‌ها	نرخ تسهیلات	حاشیه سود (ایران)	حاشیه سود آمریکا (spread)
1990	9	14.8	5.8	1.48
1991	10	14.8	4.8	1.48
1992	11.5	18.4	6.9	1.58
1993	11.5	18.2	6.7	1.51
1994	14	18.8	4.8	1.26
1995	14	18.8	4.8	1.01
1996	14	18.8	4.8	1.49
1997	14	18.8	4.8	1.38
1998	14	18.8	4.8	1.56
1999	14	18.8	4.8	1.37
2000	13	18	5	1.52
2001	13	17	4	1.62
2002	13	16.1	3.1	1.61
2003	13	15.7	2.7	1.65
2004	13	15.8	2.8	1.56
2005	12	13.8	1.8	1.13
2006	11	11.8	0.8	1.25
2007	10	11.8	1.8	1.39
2008	10	11.8	1.8	1.52
2009	10	14	4	1.46
2010	12	15	3	1.37
2011	12	15	3	1.25
2012	14	15	1	1.04
2013	18	20.8	2.8	1.38
2014	18	20	2	1.35

2015	15.5	17.9	2.4	1.22
2016	15	17.9	2.9	1.31
2017	15	18	3	1.23
2018	15	18	3	1.33
2019	16	18	2	1.36

منبع: بانک مرکزی ایران و پایگاه داده‌ای بانک جهانی (WDI)

متغیر مستقل:

نرخ بهره حقیقی (RIR): از تفاوت نرخ بهره اسمی و نرخ تورم به دست می‌آید.

$$\text{RIR} = \text{نرخ تورم} - \text{نرخ بهره اسمی} \quad (۳)$$

متغیرهای کنترل:

نرخ رشد GDP اسمی (GDP Growth): به صورت نرخ رشد GDP اسمی تعریف و محاسبه می‌شود.

شاخص بازده بازار سهام (Stock): به صورت نرخ رشد شاخص بازده بازار سهام تعریف و محاسبه می‌شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها روش GMM است. کلیه تجزیه و تحلیل‌ها با نرم‌افزار Eviews10 انجام می‌گیرد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. آمار توصیفی

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
حاشیه سود آمریکا	PMUS	1.38	1.18	1.01	1.64	0.1	-0.49	2.64
بهره حقیقی آمریکا	RIRUS	3.01	2.85	-9.78	13.59	5.19	-0.32	3.37

3.09	0.10	5.21	13.83	-7.44	2.74	3.09	GDPGROWTHUS	رشد اقتصادی آمریکا
3.43	-0.22	0.12	0.52	-0.03	0.27	0.26	HOUSEUS	بازده مسکن آمریکا
5.65	1.29	0.15	1.25	0.49	0.71	0.74	STOCKUS	بازده سهام آمریکا
3.16	0.89	0.15	6.9	0.8	3.19	3.53	PMIR	حاشیه سود ایران
2.18	-0.40	1.74	-9.71	-15.90	-11.95	-12.24	RIRIR	بهره حقیقی ایران
5.11	-1.18	1.54	4.75	-2.54	2.62	2.47	GDPGROWTHIR	رشد اقتصادی ایران
3.19	0.74	0.15	0.79	0.15	0.36	0.39	HOUSEIR	بازده مسکن ایران
2.30	-0.30	0.16	0.93	0.30	0.69	0.66	STOCKIR	بازده سهام ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست که برای متغیر نرخ بهره حقیقی در کشور آمریکا (RIRus) برابر با ۳/۰۱ است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد و بیان می‌دارد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان‌دهنده نرمال بودن این متغیر است که برای متغیر نرخ بهره حقیقی در کشور آمریکا برابر با ۲/۸۵ می‌باشد. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است که برای متغیر نرخ بهره حقیقی در کشور آمریکا برابر با ۵/۱۹ است. مقدار چولگی نیز نشان‌دهنده میزان عدم تقارن توزیع احتمالی است که برای متغیر نرخ بهره حقیقی در کشور آمریکا برابر با ۰/۳۲- می‌باشد. مقدار کشیدگی نیز نشان‌دهنده مقدار کشیدگی نسبت به منحنی با توزیع نرمال است که برای متغیر نرخ بهره حقیقی در کشور آمریکا برابر با ۳/۳۶ می‌باشد. تفسیر داده‌های مربوط به سایر متغیرها نیز مشابه متغیر نرخ بهره حقیقی در کشور آمریکا است که در فوق آورده شد.

۲-۴. آمار استنباطی

ماتریس همبستگی

جدول شماره (۳) ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۳) خلاصه نتایج ضرایب همبستگی پیرسون

PMUS	1									
RIRUS	-0.33	1								
GDPGROWTHUS	0.338	-0.2	1							
HOUSEUS	-0.1	0.119	-0.03	1						
STOCKUS	-0.37	0.153	-0.49	-0.49	1					
PMIR	-0.42	0.472	-0.07	0.396	-0.01	1				
RIRIR	-0.4	0.443	-0.4	-0.28	0.585	0.275	1			

GDPGROWTHIR	-0.09	-0.01	-0.13	0.122	-0.12	-0.23	-0.05	1		
HOUSEIR	0.131	-0.4	0.209	0.058	-0.16	0.094	-0.07	0.141	1	
STOCKIR	-0.02	-0.17	-0.01	-0.26	0.249	-0.18	-0.06	-0.43	-0.05	1

منبع: یافته‌های پژوهش

احتمال وجود مشکل هم‌خطی بر اساس ماتریس همبستگی پیرسون، با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره (۲) که حاکی از وجود ضریب همبستگی کمتر از $0/8$ در بین متغیرهای توضیحی است، بسیار پایین است؛ ۲۰ بنابراین، این محدوده همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی، مشکلی در خصوص ایجاد هم‌خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی به وجود نمی‌آورد.

آزمون مانایی

در این قسمت مانایی متغیرها و آزمون‌های آن در داده‌های ترکیبی مورد بحث قرار می‌گیرد. برای این منظور از آزمون لوین لین چو بهره‌گیری شده است.

جدول (۴) نتایج مربوط به آزمون مانایی متغیرها

متغیر	نماد	آماره F	احتمال	نتیجه
حاشیه سود آمریکا	PMUS	- ۳/۴۳	۰/۰۱۷۸	مانا در سطح
بهره حقیقی آمریکا	RIRUS	- ۴/۱۷	۰/۰۰۳۶	مانا در سطح
رشد اقتصادی آمریکا	GDPGROWTHUS	- ۳/۹۸	۰/۰۰۴۸	مانا در سطح
بازده مسکن آمریکا	HOUSEUS	- ۲/۶۴	۰/۰۹۵۶	مانا در سطح
بازده سهام آمریکا	STOCKUS	- ۳/۷۲	۰/۰۲۸۶	مانا با یک تفاضل

مانا در سطح	۰/۰۰۰۸	- ۴/۶۶	PMIR	حاشیه سود ایران
مانا در سطح	۰/۰۴۸۸	- ۲/۹۷	RIRIR	بهره حقیقی ایران
مانا در سطح	۰/۰۲۴۳	- ۳/۲۹	GDPGROWTHIR	رشد اقتصادی ایران
مانا در سطح	۰/۰۰۶۹	- ۳/۸۳	HOUSEIR	بازده مسکن ایران
مانا یک تفاضل	۰/۰۰۸۴	- ۴/۴۰	STOCKIR	بازده سهام ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

چون سطح معناداری آزمون برای تمام متغیرهای موجود در پژوهش کمتر از ۰/۱۰ است ازاین‌رو، فرض مبنی بر وجود ریشه واحد در سری‌ها را رد کرده و داده‌ها مانا هستند.

آزمون هم‌جمعی کائو

بعد از آزمون مانایی، دومین آزمونی که انجام آن برای پرهیز از رگرسیون کاذب و اطمینان از برآورد یک رگرسیون صحیح ضرورت دارد، آزمون هم‌جمعی بین متغیرها، قبل از برآورد مدل است.

جدول (۵) نتایج آزمون ناهمسانی واریانس مدل پژوهش

کشور	آزمون	آماره t	احتمال	نتیجه
ایران	کائو	-۸/۲۵	۰/۰۰۰۰	وجود هم‌انباشتگی
آمریکا	کائو	-۷/۷۲	۰/۰۰۰۰	وجود هم‌انباشتگی

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون هم‌جمعی فردی یوهانسن، معروف به آزمون هم‌جمعی پسماند Kaو، برای مجموعه متغیرهای مدل، با توجه به آماره ADF و احتمال مربوط به آن، حاکی از رد فرضیه صفر، مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرهای مدل، در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. بر این اساس می‌توان گفت بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مدل یک رابطه بلندمدت وجود دارد. ازاین‌رو، با اطمینان از صحت رگرسیون به تخمین مدل و تحلیل نتایج آن پرداخته می‌شود.

۳-۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این قسمت به برآورد الگوهای پژوهش با رویکرد GMM پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از برآوردها به شرح زیر است:

بررسی تحلیلی تأثیر نرخ بهره بر سودآوری بانکی... / رحیمی فرد، فلاح و متقی ۹۱

جدول (۶) نتایج تخمین رگرسیون متغیرهای مؤثر بر حاشیه سود بانکی در آمریکا

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر	نماد
0.0000	5.946800	0.214629	1.276356	حاشیه سود بانکی	PMUS(-1)
0.0644	-1.942786	0.007743	-0.015044	بهره حقیقی	RIRUS
0.4028	0.852376	0.005831	0.004971	رشد اقتصادی	GDPGROWTHUS
0.0002	-4.357437	0.225131	-0.980994	بازده مسکن	HOUSEUS
0.4166	-0.827251	0.217704	-0.180096	بازده سهام	STOCKUS
J-statistic = 3/79			Prob(J-statistic) = 0/0515		
Instrument rank = 7			R-squared = 0/69		

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۷) تخمین رگرسیون متغیرهای مؤثر بر حاشیه سود بانکی در ایران

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر	نماد
0.0002	-4.324787	0.201831	0.666297	حاشیه سود بانکی	PMIR(-1)
0.0010	3.730745	0.178596	1.705854	بهره حقیقی	RIRIR
0.0000	6.735280	0.253271	0.636330	رشد اقتصادی	GDPGROWTHIR
0.0003	4.151241	0.153287	-0.986645	بازده مسکن	HOUSEIR
0.0086	-2.832521	0.348327	-0.636730	بازده سهام	STOCKIR
J-statistic = 112/35			Prob(J-statistic) = 0/0000		
Instrument rank = 17			R-squared = 0/61		

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از تخمین و مشخص شدن ضرایب در مدل، می‌توان مدل تحقیق را برای کشورهای ایران و آمریکا به صورت زیر تصریح کرد:

ایران:

$$PM_t = 0.666297 + 1.705854 * RIR_{t-1} + 0.636330 * GDP\ Growth_t - 0.986645 * Stock_t - 0.636730 * House_t \quad (۴)$$

آمریکا:

$$PM_t = -0.636730 - 0.015044 * RIR_{t-1} + 0.004971 * GDP\ Growth_t - 0.980994 *$$

$$\text{Stock } t - 0.180096 * \text{Houset} \quad (5)$$

شرط استفاده از مدل GMM دو مورد است. اول اینکه، مجموعه متغیرهای ابزاری بایستی معتبر باشند، یعنی با جملات خطا همبسته نباشند. این فرضیه با استفاده از آزمون سارگان و هانسن سنجیده شده است. در مطالعه حاضر تعداد پنج متغیر ابزاری از متغیرهای مستقل و وابسته به کار گرفته شده است که آزمون سارگان و هانسن و آماره J مربوط به آن که از توزیع با درجه آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردارند، آزمون فرضیه صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌کند و از این رو، حاکی از معتبر بودن متغیرهای ابزاری مورد استفاده و در نتیجه، تأیید اعتبار نتایج برای تفسیر است (آماره J سارگان = ۱۱۳/۷۷ با احتمال ۰/۲۹۵۸ برای کشور ایران و آماره J سارگان = ۱۲۵/۳۳ با احتمال ۰/۲۸۵۳ برای کشور آمریکا).

دوم اینکه، باید عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم (AR2) در پسماندها تأیید شود، مطابق اطلاعاتی که در جدول زیر ارائه شده است، این فرضیه نیز با استفاده از آزمون همبستگی سریالی آرلاندو و باند مورد آزمون قرار گرفته و در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است؛ بنابراین، می‌توان گفت مرتبه خودهمبستگی در تفاضل مرتبه اول جملات اخلاص از مرتبه یک بوده و از این رو مدل برآورد شده با تفاضل وقفه دار مرتبه اول، مدل مناسبی بوده و دارای تورش تصریح نیست.

جدول (۸) آزمون خودهمبستگی AR

کشور	مرتبه AR	m-Statistic	Rho	SE(rho)	Prob.
ایران	AR(2)	1.790752	157.359858	199.898537	0.1419
آمریکا	AR(2)	1.557239	189.414195	121.634645	0.1194

منبع: یافته‌های پژوهش

دوم اینکه، باید عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم (AR2) در پسماندها تأیید شود؛ مطابق اطلاعاتی که در جدول زیر ارائه شده است، این فرضیه نیز با استفاده از آزمون همبستگی سریالی آرلاندو و باند مورد آزمون قرار گرفته و در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است؛ بنابراین، می‌توان گفت مرتبه خودهمبستگی در تفاضل مرتبه اول جملات اخلاص از مرتبه یک بوده و از این رو، مدل برآورد شده با تفاضل وقفه دار مرتبه اول، مدل‌های مناسبی بوده و دارای تورش تصریح نیست.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد که:

برای کشور ایران، متغیر نرخ بهره حقیقی، اثرات معنادار بر متغیر حاشیه سود بانکی در کشور ایران داشته است که این اثرگذاری در سطح ۱ درصد معنادار و مثبت است.

در این رابطه استدلال می‌شود که به لحاظ تئوریک، نرخ بهره می‌تواند از دو طریق اثرگذاری بر درآمدهای بهره‌ای و اثرگذاری بر درآمدهای غیر بهره‌ای، بر سودآوری بخش بانکی در سیستم بانکداری متعارف، اثر داشته باشد. در این رابطه بیان می‌شود که دلایل قوی وجود دارد مبنی بر اینکه نرخ بهره با خالص درآمدهای بهره‌ای مرتبط هست. به‌طور خاص، اگر نرخ‌های بازار به واسطه کاهش نرخ بهره کمتر شود، آنگاه سیاست پولی انقباضی منجر به افزایش خالص درآمد خواهد شد؛ همچنین با کاهش نرخ بهره، بازده دارایی‌های تحت پوشش سرمایه کاهش می‌یابد. به‌طور کلی، این اثر عموماً نسبت به سپرده‌ها کوچک‌تر است، زیرا سرمایه سهم کمتری از کل دارایی‌ها را دارد. تغییرات در سطح نرخ بازار نیز اثرات کمی خواهد داشت که به‌طور ویژه بر حجم وام‌های بانکی و سپرده‌ها تأثیر می‌گذارد؛ به حدی که در تعادل، تقاضا برای وام‌ها نسبت به نرخ سود در مقایسه با سپرده‌ها بیشتر و کشش‌پذیرتر است، طوری که در برخی نقاط، نرخ سود بالاتر سودآوری را تضعیف می‌کند. این نقطه با حساسیت تقاضای وام (و سپرده) به نرخ‌های بازار در حالت تعادل تعیین می‌شود، چراکه بخش‌های دیگر نیز تحت تأثیر تغییرات یکسان در شرایط بازار قرار خواهند گرفت که منجر به جبران هر یک از نیروهای تعادلی نسبی می‌شود. در مورد اثر نرخ بهره بر درآمدهای غیر بهره‌ای نیز استدلال می‌شود که در صورت ثابت‌ماندن سایر شرایط، نرخ‌های بهره بالاتر باید منجر به ایجاد زیان در سبدهای سهام اوراق بهادار بانک‌ها شود. تأثیر بر حساب سود و زیان نیز وابسته به کنوانسیون‌های حسابداری خواهد بود. زیان‌ها به‌طور مستقیم در صورت سود و زیان معکوس می‌شود. کاهش ریسک نرخ بهره نیز برای بانک‌ها مهم است. این اثر تا حد زیادی از طریق مبادله نرخ بهره با اثرات ارزش‌گذاری که به‌طور معمول به‌منزله درآمد غیر بهره‌ای گزارش می‌شود، انجام خواهد شد. از آنجایی که از نظر ساختار، بدهی بانک‌ها دارای سررسید کوتاه‌تر از دارایی‌های آنها است، بانک‌ها تمایل به پرداخت نرخ‌های ثابت و دریافت نرخ‌های شناور دارند. اگر بانک‌ها به‌طور کامل پوشش داده شوند نمی‌توانند از ریسک نرخ بهره سود ببرند. در حقیقت، پوشش ریسک بخشی جزئی است. در نتیجه وجود اثر منفی و معنادار نرخ بهره بر سودآوری بانکی در بخش بانکداری متعارف از لحاظ تئوریک مورد تأیید است. بر همین اساس فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود.

برای کشور آمریکا، متغیر نرخ بهره حقیقی، اثرات معنادار بر متغیر حاشیه سود بانکی در

کشور آمریکا داشته است که این اثرگذاری در سطح ۱ درصد معنادار و منفی است.

در این رابطه استدلال می‌شود که بهره و ربح (سود) بانکی در اقتصاد غربی به‌مثابه یک عامل اصلی اقتصاد پذیرفته شده است. در این اقتصادها بازار پولی از بازار واقعی کاملاً جداست. نرخ بهره در جایگاه عاملی برونزا بر اقتصاد واقعی اثر می‌گذارد و باعث تغییرات جدی در اقتصاد می‌شود. از نظر آقای کینز که یکی از بنیان‌گذاران علم اقتصاد به حساب می‌آید پول دارای سه کارکرد معاملاتی، احتیاطی و سفته‌بازی است که دو مورد اول براساس تولید و تقاضای واقعی شکل می‌گیرد، ولی سومین عامل بر اساس نرخ بهره و ربح بانکی شکل می‌گیرد. در چنین اقتصادی بازار پول به‌صورت مستقل کار خودش را می‌کند و بازار سرمایه کار خود را انجام می‌دهد. ماهیت بازار پول به دلیل قطع شدن ارتباطش با پشتوانه طلا و نقره و بعدها با پشتوانه تولید ملی و به‌وسیله سیاست‌های انبساطی دولت‌ها و نیز نوع عملکرد بانک‌ها در خلق پول میل به افزایش فراوان دارد. در مقابل، بانکداری اسلامی نوعی از فعالیت بانکی است که با احکام و فقه اسلام (به‌ویژه از دید ربا و رباخواری) همخوانی داشته و در قالب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود. در این روش هر نوع سرمایه‌گذاری در تجارتي که فراهم‌کننده سود یا خدمتی است که با قوانین اسلام ناسازگار باشد، ممنوع و حرام است. کسب بهره (ربح)، هرگونه حالات احتکار و سوداگری نامشروع، هرگونه حالات قمار و «بازی نامشروع» با سرمایه، سرمایه‌گذاری برای تولید مشروبات الکلی، گوشت خوک و هرگونه جنس حرام، به‌کارگیری سرمایه در اقتصاد فحشا و فساد، مشارکت، همکاری یا مراد به بانک‌های خارجی و غیر اسلامی که سرمایه خود را در راه‌های غیر اسلامی یا علیه اسلام به کار می‌برند، از جمله ممنوعیت‌هایی است که در فقه شیعه و سنی حرام و در بانکداری اسلامی ممنوع است. در ارتباط با تعهدات آنچه در بانکداری اسلامی قابل توجه است و وجه اصلی افتراق آن با بانکداری غربی به حساب می‌آید، نوع ارتباط بانک با اقتصاد واقعی است، به‌جز قرض الحسنه که ماهیت وام‌دهی و پرداخت و دریافت وجه دارد، سایر عقود ارتباط مستقیمی با اقتصاد واقعی دارند و به‌اصطلاح اقتصادی «دارایی محور» هستند و هیچگاه نباید ارتباط آنها با سودآوری و رشد اقتصاد واقعی قطع شود. در اقتصاد مبتنی بر اسلام و بانکداری اسلامی، پول تنها وسیله مبادله محسوب می‌شود و انگیزه سفته‌بازی آن به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست؛ اما ادعای اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی آن است که ارتباط بازار واقعی با بازار پولی هیچگاه نباید گسسته شود و پول کالا و عاملی مستقل نیست، بلکه صرفاً نشان‌دهنده یک ارزش بوده و در خدمت بازار و اقتصاد واقعی است. با یک نگاه ساده به بانکداری اسلامی نیز چنین برداشتی تأیید می‌شود، چراکه در تمامی عقود ارتباط پول و وام با سودآوری و فعالیت واقعی اقتصاد مرتبط است و از این رو، چون سود بانکی باید به‌منزله معلول سود واقعی اقتصاد شناخته شود مقدار آن باید کمتر از متوسط سود واقعی باشد. از طرف

دیگر چون در تمامی عقود باید ما به ازاء کار یا تولید واقعی در برابر سود بانکی وجود داشته باشد، حتی در فرض خلق پول به وسیله سیستم بانکی، پول خلق شده هم باید در خدمت خلق ارزش واقعی و کمتر از مقدار ارزش ایجاد شده باشد. بر اساس مکانیسم‌های مطرح شده در فوق، ارتباط مثبت بین نرخ بهره (سود) در سیستم بانکداری اسلامی با سودآوری بخش بانکی از لحاظ تئوریک مورد تأیید است. بر همین اساس فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود.

بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و مدیران در بخش بانکی، علی‌رغم اثرگذاری مثبت نرخ سود بانکی بر سودآوری بخش بانکی، توجه داشته باشند که دچار مشکلات موجود در سیستم سرمایه‌داری از جمله دریافت و پرداخت بهره نشوند.

پیشنهاد می‌گردد که سیاست‌گذاران کلان کشوری و فعالین در بخش پولی و بانکی، بکوشند از طریق متصل نمودن بخش پولی به بخش واقعی اقتصاد خودشان تا حد امکان اثرات منفی ناشی از دریافت و پرداخت بهره در سیستم بانکداری متعارف را کاهش دهند.

پیشنهاد می‌گردد کشورهایی که دارای سیستم بانکداری مبتنی بر ربا هستند، اصلاحات مورد نیاز جهت اسلامی‌سازی سیستم بانکداری را در دستور کار قرار دهند تا بتوانند از منافع سیستم بانکداری اسلامی و به اشتراک‌گذاری ریسک در عوض پرداخت بهره منتفع شوند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

رفیعی، ثریا، کریم امامی، و فرهاد غفاری. «تأثیر سیاست‌های پولی بر عملکرد بانک‌ها با استفاده از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE)»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی ۱۹، شماره ۷۲ (بهار ۱۳۹۸): ۱-۳۶. <http://dx.doi.org/10.22054/joer.2019.1015>

سلیمانی هفشجانی، فرزانه. «بررسی تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی و بانکی بر میزان سودآوری بانک صادرات ایران»، (دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران، آذر ۱۳۹۶). <https://civilica.com/doc/713890>

کوشکی، مونا، و شادی شاهوردیانی. «بررسی ارتباط بین نسبت‌های مهم بانکی و شاخص بانکداری غیر سنتی بانک‌ها در نظام بانکی کشور بر میزان سودآوری بانک‌ها»، (سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران، آبان ۱۳۹۵). <https://civilica.com/doc/561029>

گجراتی، دامودار. مبانی اقتصاد سنجی. ترجمه حمید ابریشمی. جلد ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

مهربان‌پور، محمدرضا، محمدمهدی نادری نورعینی، عفت اینالو، و الهام اشعری. «عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی ۱۴، شماره ۵۴ (تابستان ۱۳۹۶): ۱۱۴-۱۳۴. <https://civilica.com/doc/889499/>

نظریان، رافیک، و رقیه عزیزیان فرد. «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نرخ سود بانک‌ها در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ۴، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۹۵): ۷۳-۱۰۶. <http://qjefp.ir/article-1-468-fa.html>

ب- منابع لاتین:

Aydemir, Resul, and Gokhan Ovenc. "Interest rates, the yield curve and bank profitability in an emerging market economy." *Economic Systems* 40, no. 4 (December 2016): 670-682. <http://dx.doi:10.1016/j.ecosys.2016.04.003>

Baldini, Alfredo, Jaromir Benes, Andrew Berg, Mai Dao, and Rafel Portillo. "Monetary Policy in, Low Income Countries in the Face of the Global Crisis: The case of Zambia." *IMF Working Paper: Research Department and African Department WP/12/94* (April 2017): 4-46.

Borio, Claudio, Leonardo Gambacorta, and Boris Hofmann. "The influence of monetary policy on bank profitability (Impact on non-interest income)." *BIS Working Papers*, no. 514 (October 2015): 1-37.

Diebold, Francis X., and Glenn D. Rudebusch. "Yield Curve Modeling and Forecasting:

- the Dynamic Nelson –Siegel Approach.” In *The Econometric and Tinbergen Institutes Lectures*, [N.P]: Princeton University Press, June 2013. <https://doi.org/10.1515/9781400845415>.
- Duran, Murat, Ozcan Gulserim, Ozlu PinarPinar, and Unalmis D. “Measuring the Impact of Monetary Policy on Asset Prices in Turkey.” *Journal of Economics Letters* 114, no. 1 (November 2018): 29-31. <https://ideas.rpec.org/p/tcb/wpaper/1820>.
- Kunt, Ash Demirguc, and Harry Huizinga. “Determinants of Commercial Bank Interest Margins and Profitability: Some International Evidence.” *The World Bank Economic Review* 13, no. 2 (May 1999): 379-408. <https://www.jstor.org/stable/3990103>.
- Lopez, Jose A., Andrew Kenan Rose, and Mark M. Spiegel. “Why have negative nominal interest rates had such a small effect on bank performance? Cross country evidence.” *European Economic Review* 124 (May 2020): 103402.
- Lütkepohl, Helmut, and Aleksei Netšunajev. “The Relation between Monetary Policy and the Stock Market in Europe.” *MDPI, Econometrics* 6, no. 3 (March 2018):1-14. <https://doi.org/10.3390/econometrics6030036>.
- Martins, António Miguel, Ana Paula Serra, and Simon Stevenson. “Determinants of real estate bank profitability.” *Research in International Business and Finance* 49 (October 2019): 282-300. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2019.04.004>.
- Raymond, F. D. D.Chaudron. “Bank’s interest rate risk and profitability in a prolonged environment of low interest rates.” *Journal of Banking & Finance* 89 (April 2018): 94-104.
- Zaman, Rashid, Muhammad Arslan, Muhammad Sohail, and Dr Rashida Khatoon Malik. “The Impact of Monetary Policy on Financial Performance: Evidence from Banking Sector of Pakistan.” *Journal of Basic and Applied Scientific Research* 4, no. 8 (June 2014): 119-123.